

کتاب ایوب

جلسه ۲۱: گفتار خدا ۱ و پاسخ ایوب (ایوب ۲۸-۴۰:۵)

نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۲۱، گفتار خدا ۱ و پاسخ ایوب، ایوب است. ۳۸-۴۰:۵

مقدمه‌ای بر سخنان یهوه (ایوب ۳۸-۴۰:۵) [۱:۵۲-۰۰:۲۸]

حالا بالاخره به مهم‌ترین بخش کتاب می‌رسیم: سخنان یهوه. این، البته، بخش سوم گفتار است. سوگند بی‌گناهی ایوب را در هوا معلق داشتیم، در حالی که تعلیق را تجربه می‌کردیم. و بنابراین، اکنون می‌بینیم که یهوه قرار است از راه برسد و سخن بگوید. با این جمله شروع می‌شود که خداوند از میان طوفان و گردباد با ایوب سخن گفت. این معمولاً همراهی حضور خداوند است، اما این استنباط را نیز دارد که او از آنچه در جریان است، چندان راضی نیست. البته متوجه می‌شویم که خداوند طرز فکر همه را اصلاح می‌کند. نکته جالب این است که او به سوگند بی‌گناهی ایوب پاسخ نمی‌دهد. بنابراین، نمی‌توان این را به عنوان زورگویی ایوب به خدا تعبیر کرد. او از عدالت خود دفاع نمی‌کند، که بسیار جالب است زیرا همه سیستم را بر اساس عدالت بنا کرده‌اند.

پیچیدگی در جهان بی‌نظم [۳:۱۸-۱:۵۲]

بنابراین، چیزی که ما متوجه می‌شویم این است که او در عوض، رویکردی کاملاً متفاوت اتخاذ می‌کند، و در واقع، وقتی شروع می‌کند، شما تعجب می‌کنید که از کجا آمده است. چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ کاری که او انجام می‌دهد این است که سعی دارد پیچیدگی جهان را نشان دهد. حتی ما هم پیچیدگی جهان منظم را تأیید می‌کنیم. او به بسیاری از مسائلی می‌پردازد که در لبه، مناطق افراطی جهان منظم، چیزهایی که انسان‌ها به خوبی نمی‌فهمیدند قرار دارند. او با نشان دادن پیچیدگی جهان، جهل ایوب را از نحوه کار و نظم آن نشان می‌دهد. این مهم است زیرا ایوب و دوستانش با این فرض کار کرده‌اند که می‌دانند جهان چگونه منظم است و بر اساس عدالت و اصل مجازات منظم شده است. کاری که یهوه در سخنان خود انجام می‌دهد این است که او نشان می‌دهد، در واقع، او ادعا می‌کند که در جایی که مردم فکر می‌کردند بی‌نظمی وجود دارد، نظم وجود دارد.

نظم، بی‌نظمی و بی‌نظمی [۵:۴۵-۳:۱۸]

حالا، در این مرحله، باید کمی وقت بگذارم و اصطلاحاتم را توضیح دهم. من از بی‌نظمی، نظم و بی‌نظمی استفاده می‌کنم. بی‌نظمی ذاتاً شر نیست. گاهی اوقات آن را هرج و مرج می‌نامند، اما این خوب نیست زیرا شاید چیزی را تداعی کند که تجسم یافته یا ذاتاً شر است. بی‌نظمی خنثی است. فقط هنوز نظم نیافته است. من موقعیتی را تصور می‌کنم که در آن به مکانی جدید نقل مکان می‌کنید و تمام جعبه‌های بسته‌بندی‌شده‌تان را می‌آورید و آنها را در اطراف اتاق می‌چینید، آماده برای ایجاد نظم در خانه جدیدتان. جعبه‌ها نمایانگر بی‌نظمی هستند. هیچ چیز آنطور که قرار است کار نمی‌کند؛ هیچ چیز به طور هدفمند قرار داده نشده یا در دسترس نیست. همه چیز فقط در جعبه‌ها بسته‌بندی شده، بی‌نظم و آماده برای نظم گرفتن است. پیدایش ۱ با بی‌نظمی در آیه دوم شروع می‌شود و اعمال خلاقانه خدا نظم را به ارمغان می‌آورد. بنابراین، خلقت یک فرآیند نظم‌بخش است. امثال به ما می‌گوید که خدا از طریق حکمت می‌آفریند و حکمت، همانطور که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم، جستجوی نظم و قرار دادن چیزها، درک چیزها، به روش‌های منظم است. بنابراین، بی‌نظمی بخش آغازین این فرآیند است. ضمناً، این تقریباً در تمام کیهان‌شناسی‌های باستانی خاور نزدیک صادق است. آنها با بی‌نظمی شروع می‌کنند سپس به نظم می‌رسید. وقتی خدا در سفر پیدایش می‌آفریند، همه بی‌نظمی‌ها را منحل نمی‌کند؛ به هر حال، یک فضای منظم در داخل باغ و یک فضای نامنظم در خارج از باغ وجود دارد. دریا هنوز آنجاست، بی‌نظم. و بنابراین، خدا یک نظم بهینه آورده است. وقتی او مدام می‌گوید که خوب است، منظورش همین است. در این سیستم منظم، آنطور که باید عمل می‌کند. اکثر مردم باستان خاور نزدیک در مورد همین نوع مفهوم صحبت می‌کنند. در مصر، ما مفهوم ماعت را داریم که به معنای نظم است. این موضوع، محور انواع ادبیات در جهان باستان است. کیهان‌شناسی‌ها و قوانین یا در کتیبه‌ها اغلب در مورد چگونگی ایجاد نظم توسط پادشاه صحبت می‌کنند. بنابراین، نظم بسیار مهم است. اما هنوز هم جهان بی‌نظم وجود دارد. انسان‌ها به تصویر خدا آفریده شده‌اند تا در ایجاد نظم کمک کنند. ما با خدا شریک هستیم، نایب او هستیم و در برنامه‌های او برای ایجاد نظم شرکت می‌کنیم. بنابراین، ما هنوز در جهان بی‌نظمی داریم و نظمی داریم که خدا آن را ایجاد کرده است. اما عنصر سومی هم وجود دارد به نام بی‌نظمی. من از این عنصر برای توصیف این تهدیدها علیه نظم که از شر ناشی می‌شوند، استفاده می‌کنم. بی‌نظمی چیزی است که ذاتاً شر است. بنابراین، ما در جهانی از نظم، بی‌نظمی و بی‌نظمی زندگی می‌کنیم.

ایوب و بی‌نظمی و اصل مکافات [۸:۴۵-۵:۰۸]

ایوب و دوستانش فکر می‌کردند که تمام بی‌نظمی‌های زندگی‌شان، رنج‌ها و چیزهایی از این قبیل، از بی‌نظمی و اعمال شیطانی ناشی می‌شود؛ این اصلِ کیفر است. بنابراین، همانطور که خداوند در مورد حوزه‌هایی از کیهان صحبت می‌کند که نشان می‌دهد حتی در بی‌نظمی‌ها هم نظم وجود دارد، حتی چیزهایی که به عنوان بی‌نظم درک می‌شوند، نظم دارند، او نشان می‌دهد که ایوب و دوستانش، واقعاً به اندازه کافی در مورد نظم آگاه نیستند تا

معادله‌ای ارائه دهند. بنابراین، با انجام این کار، خداوند فرمول‌بندی مطمئن نظریه‌ای را که عملکردهای جهان را به یک گزاره ساده، یعنی اصل کیفر، تقلیل می‌دهد، رد می‌کند. در این فرآیند، او این ایده را که عدالت پایه و اساس سیستم است، رد می‌کند.

ایوب ۳۸ و بی‌نظمی [۸:۰۸-۱۰:۴۴]

می‌توانیم این را ببینیم وقتی به فصل ۳۸ نگاه می‌کنیم، همانطور که او در مورد جهان منظم صحبت می‌کند، و شروع می‌کنیم، بگذارید ببینیم، "آیا وسعت وسیع زمین را درک کرده‌اید؟" من در آیه ۱۸ هستم، "اگر همه اینها را می‌دانید، به من بگویید. راه رسیدن به جایگاه نور چیست؟ تاریکی کجا ساکن است؟ آیا می‌توانید آنها را به مکان‌هایشان ببرید؟ آیا راه‌های رسیدن به خانه‌هایشان را می‌دانید؟ مطمئناً می‌دانید، زیرا شما قبلاً متولد شده‌اید، سال‌های زیادی زندگی کرده‌اید."

ضمناً به این لحن طعنه‌آمیز توجه کنید. من به این ایده اشاره کردم که حتی سخنان پیهو هم ساخته و پرداخته‌ی ادبی هستند. فکر نمی‌کنم که باید خدا را در حال طعنه زدن بدانیم. این حرف‌ها از دهان او زده شده تا منظورش را برساند.

آیا به انبارهای برف وارد شده‌ای یا انبارهای تگرگ را دیده‌ای که من آنها را برای زمان‌های سختی، برای روزهای جنگ و نبرد نگه داشته‌ام؟ راه پراکنده شدن رعد و برق، مانند مکانی که بادهای شرقی بر روی زمین پراکنده می‌شوند، چیست؟» توجه کن که او در مورد این عملیات کیهانی صحبت می‌کند، و آیا می‌دانی که چگونه کار می‌کنند، ایوب؟ اما نگاه کن، به ویژه آیه ۲۵: «چه کسی کانالی برای سیل باران و مسیری برای رعد و برق به زمینی که هیچ کس در آن زندگی نمی‌کند، بیابانی خالی از سکنه، حفر می‌کند.» می‌بینید، اصل قصاص، عدالت است. باران به عنوان پایه و اساس سیستم، نقشی در سیستم عدالت دارد. می‌تواند داور، سیل را به ارمغان بیاورد؛ می‌تواند رفاه را به ارمغان بیاورد، باروری را به زمین بیاورد و گیاهان را پرورش دهد. خدا نکته‌ای را مطرح می‌کند؛ آیا متوجه نشده‌اید که در جایی که کسی زندگی نمی‌کند، باران می‌بارد؟ باران اینجا در یک سیستم قضایی عمل نمی‌کند. خدا مطمئناً می‌تواند از آن به این شکل استفاده کند. او فقط چند آیه قبل به این ایده اشاره کرد که او برای مواقع سختی کنار گذاشته شده است. بنابراین، خدا می‌تواند از این چیزها استفاده کند. اما آنها همیشه در یک سیستم قضایی عمل نمی‌کنند.

اصل مقابله به مثل و عدالت به عنوان مبنا [۱۰:۴۴-۱۱:۵۰]

و بنابراین، در اینجا می‌بینیم که خداوند ایوب را از برخی فرضیاتش مبرا می‌کند، زیرا او را از جهلش آگاه می‌سازد. همه اینها نشان می‌دهد که اصل مکافات فرمول مناسبی برای درک چگونگی کارکرد جهان نیست.

پاسخ ایوب به این موضوع را در آیات اول فصل ۴۰ می‌یابیم. خداوند این چالش را مطرح می‌کند: «آیا کسی که با قادر مطلق مجادله می‌کند، او را اصلاح خواهد کرد؟ بگذار کسی که خدا را متهم می‌کند، به او پاسخ

دهد!» ایوب در مقابل او می‌ایستد. ایوب پاسخ می‌دهد: «من لایق نیستم - چگونه می‌توانم به تو پاسخ دهم؟ دستم را روی دهانم گذاشتم. یک بار صحبت کردم، اما پاسخی ندارم - دو بار، دیگر نمی‌گویم.» ایوب به ناتوانی خود در پاسخ به سوالات خدا اذعان می‌کند. این کافی نیست

جهل کافی نیست [۱۲:۵۶-۱۱:۵۰]

هدف کتاب چیزی بیش از این است که بگوید «بسیار خب، ما هیچ نمی‌دانیم». جهل اعتراف‌شده ما را به راحل‌هایی که کتاب ارائه می‌دهد نمی‌رساند. این کتاب می‌خواهد به ما کمک کند تا به این باور برسیم که چگونه در مورد چگونگی نظم جهان و سیاست‌های خدا فکر کنیم. البته متوجه می‌شویم که خود ایوب از خدا بد گفته است خدا او را در این مورد به چالش خواهد کشید. ما این را در بخش بعدی به عنوان مقدمه‌ای بر دومین سخنرانی خدا مطرح خواهیم کرد، که قرار نیست فقط نکات منفی، یعنی آنچه نمی‌دانیم، را مطرح کند، بلکه توصیه‌های مثبتی نیز ارائه خواهد داد و این کار را از طریق این دو موجود شگفت‌انگیز، بهیموت و لویاتان، انجام خواهد داد.

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۲۱، گفتار خدا ۱ و پاسخ ایوب است ایوب ۳۸-۵:۴۰. [۱۲:۵۶]